

صنعت نفت باید ملی - عمومی باشد. یعنی در اختیار ملت و برای همگان

صنعت نفت نباید دولتی باشد. دولت حق دخالت مطلق و تاراج منابع عمومی را ندارد

مصدق نفت را ملی نکرد. او درکی از لزوم تغییر قرارداد نفتی نداشت به کشور آسیب زد

این روزها بحث واگذاری شرکت ملی نفت به بخش خصوص به دغدغه کلان جامعه و درون تشکیلاتی صنعت نفت مبدل شده. دولت با بهانه چابک سازی ساختار صنعت نفت و تسهیل در فروش تولیدات، در نظر دارد سهام شرکت ملی نفت را به بخش خصوصی واگذار نماید.

اینکه این موضوع تا چه اندازه صحت دارد و فرایند آن چگونه می باشد، هدف این نوشته نمی باشد. نوشتار پیش رو قصد دارد که اثبات نماید دولت حق واگذاری منابع عمومی به بخش خصوصی را ندارد. این مردم ایران هستند که می توانند در مورد منابع عمومی یا سرزمینی ایران تصمیم بگیرند.

بدین لحاظ اندکی بحث را تخصصی می نماید تا موضوع برای مخاطب روشن و مشخص گردد.

اصولاً سه نوع مالکیت کلی در جوامع جاری می باشد:

مالکیت خصوصی: افراد حقیقی و حقوقی بر برخی منابع فیزیکی مالکیت ایجاد می کنند. مانند خانه و خودروی شخصی یا شرکت شخصی و شرکت سهامی

مالکیت عمومی: هر آنچه باعنوان منابع سرزمینی در یک سرزمین یا کشور وجود دارد منابع ملی یا عمومی نام دارد و در مالکیت ملت یا کل مردم قرار دارند. منابعی همچون کوه و جنگل، دریا و خشکی، خاک و معادن، آب و هوا و به ویژه نفت و گاز منابع عمومی هستند که به عموم مردم تعلق دارند. حتی تشکیلات اجتماعی کلان چون ارتش، نیروی امنیتی، صنایع، بهداشت عمومی، آموزش عمومی و ساختارهایی از این دست منابع همگانی یا عمومی نامگذاری می گردند.

مالکیت دولتی: دولت بعنوان نهاد بر ساخته از درون جامعه و در مقام نمایندگی از طرف مردم با اعمال سازوکاری مشخص از عموم ملت وکالت می گیرد تا بیشتر منابع عمومی را بطور موقت در اختیار گیرد و این منابع را برای منفعت عمومی مدیریت نماید. بصورتی که نفع آن صرفاً برای کشور و مردم منظور گردد.

نکته مهم: مالکیت مردم بر منابع یا اموال عمومی جسمی و مطلق می باشد. اما اختیار دولت بر منابع یا اموال عمومی موقت و در حد "حق استفاده" می باشد. حتی ساختمانهای دولتی و تجهیزات و کالای دولتی اموال مطلق دولت نمی باشند. ضمن اینکه باید توجه داشت که دولت نهاد اجتماعی برخاسته از درون اجتماع یا همان مردم می باشد و نهاد مجزا و تجریدی از مردم لحاظ نمی گردد.

ماجرای ملی شدن نفت و آثار این خطای تاریخی

همانطور که بیان شد نفت جزو منابع عمومی و همگانی می باشد و در اختیار اختصاصی تمامی مردم یا ملت قرار دارد. پس نفت ذاتا "ملی" می باشد و قابلیت ملی شدن مجدد ندارد. بنابراین "ملی شدن نفت" توسط محمد مصدق یک گزاره خطا و بیمورد تلقی می گردد.

وانگهی؛ آیا به واقع قبل از خلق جمله یا مفهوم ملی شدن نفت توسط محمد مصدق، منابع نفتی ایران در اختیار بیگانگان خارج از کشور یا بخش خصوصی داخل کشور قرار داشت؟! مسلم که برخی همچون محمد مصدق و جبهه همگرا با وی، کمپانی دارسی را صاحب اختیار نفت ایران معرفی کنند. و استدلال کنند که مصدق نفت را از چنگال و استیلای کمپانی دارسی خارج نمود.

این یک خطای درکی یا نادانی از مفهوم "چیستی مالکیت" و "عدم شناخت قوانین بین ملل" می باشد. طبق قوانین و حقوق بین ملل و بعد از تاسیس سازمان ملل مفهوم استعمارگری با معنای قشون کشی خارجی و استیلا بر منابع عمومی سرزمین دیگر معنای حقوقی و رسمی ندارد.

امتیاز نامه دارسی قراردادی بین ایران و کمپانی ویلیام ناکس دارسی انگلیسی بود که این شرکت بتواند برای مدت ۶۰ سال از حق انحصاری جستجو و بهره برداری از «نفت، گاز طبیعی، آسفالت و شبه کانی موم معدنی» در سه چهارم مساحت ایران برخوردار شود.

در اصل تعهد ایران یک "قرارداد" بود؛ نه اجبار و قلدری استعمارگری. ایران تکنولوژی مورد نیاز را نداشت. با دارسی قرارداد بست. همین. ولی واضح است که این قرارداد مطلقا یک قرارداد منصفانه و عادلانه نبود. سهم ایران در قرارداد با دارسی ۱۶٪ بود. که برآستی وحشتناک و عجیب بود.

اما توجه کنیم همان زمان عربستان با سیاست عقلایی و فهم لزوم تعامل با جهان با شرکت اویل کالیفرنیا قرارداد ۵۰-۵۰ بست. در واقع وقتی ما کل کل و مشاجره استعمارستیزی با دارسی انگلیس را داشتیم و در ایران جناح های مختلف ملی گرا و مذهبی گرا سر لحاف ملانصرالدین (ملی شدن نفت) دعوا داشتند. عربستان با عقلانیت و اجتناب از دعوای بیهوده، قرارداد اصولی و منصفانه بست.

عربستان در اولین قرارداد ۵۰-۵۰ بست و ما ۱۶-۸۴. واقعا مقصر کیست؟! اگر بحث استعمارگری است. پس چرا برای عربستان چنین نبود؟!

ما ایرانیان از دیرباز مشکل در فهم "چیستی حکمرانی و حقوق بین ملل" را داریم. هم اکنون نیز در قضیه معاهدات و قراردادهای و تبادلات و تعاملات با جامعه بین ملل و حتی برجام همین کلاه گشاد را بر سر خودمان گذاشتیم. ولو اینکه همین امروز وزارت نفت در مقوله انعقاد قراردادهای نفتی و گازی با مشکل ندانم کاری مواجه است. هم حقوق بین ملل را نمی شناسیم و هم زبان تخصصی بلد نیستیم. اینکه قراردادهای بد بسته می گردد، خودمان مقصریم. اما پیوسته دیگران را دشمن و مقصر قلمداد می نماییم.

خاطر نشان می شود؛ آن زمان که مصدق در مجلس با مغز استعمارستیزی درکی از خطای قرارداد ناگوار با دارسی را نداشت. آنهنگام که او محمدرضا شاه را عامل استعمار می خواند و با ایجاد آشوب در کشور درصدد سرنگونی پهلوی بود. رزم آرا نخست وزیر وقت مترصد شد از دارسی انگلیس جدا شود و قرارداد

۵۰-۵۰ را با شرکتهای آمریکایی ببندد. ولی فدائیان اسلام که هرگز درکی از عناصر اجتماعی و جهانی نداشتند او را ترور نمودند و پیشنهاد وی هوا رفت.

درحقیقت رزم آرا می خواست همچون عربستان یک قرارداد عادلانه ایجاد کند. لیک همان جبهه مصدق همه چیز را خراب کرد. و سرانجام مثلا نفت ملی شد. خب یعنی چه شد؟! چه دستاوردی نصیب کشور شد؟! آیا غیر از آشوب و سوار شدن بر هیجانات و احساسات پوپولیستی توده ها نتیجه مفیدی رخ داد؟! آیا غیر از رفتارهای پوچ و بی حاصل محصولی بدست آمد؟!

بعد از غائله و بلوای ملی شدن نفت، دولت جدید زاهدی همان راه رزم آرا و عربستان را رفت. بدون هیاهو و قشقراق با کنسرسیومی از چند شرکت بین مللی همان ۵۰ - ۵۰ امضا شد.

خب وقتی ما درکی از حقوق بین ملل و چگونگی نوشتن قرارداد نداریم. چرا کشور را دچار آسیب و هیجانهای کاذب منجر به آشوب و هزینه زایی بیجا می کنیم؟!

مثلا نفت ملی شد که در اختیار مردم باشد. اما امروز می بینیم نفت در اختیار دولت و حاکمیت سیاسی است و عموم مردم تسلط که هیچ؛ حتی اندک دخالتی در منابع حیاتی نفت و گاز و پتروشیمی ندارند. آقایان حاکمیتی خودشان می فروشند و خودشان خرج اتینا می کنند. مردم نیز دست به سینه تماشای هستند.

نکته: کشور ما صدها سال است که از ریل پیشرفت و توسعه اصولی خارج شده و در جاده خاکی با لاستیک پنچر عمر تلف می کند. در دوره معاصر نیز باوجود جنبش مشروطه و روشنگری های اندک، هنوز اندرخم یک کوچه سیر می کنیم. نمی دانیم چرا نفت ملی و اموال ملت کاملا در اختیار نهاد دولت یا حاکمیت سیاسی است؟ دولت و حاکمیتی که مطلقا چنین حقی ندارد.

امروز نیز دولت تصمیم گرفته شاید صنعت نفت را بفروشد!!